

تحلیل فراشناختی عمل در حکمت سینوی

شهناز شایان فر*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱

چکیده

در حکمت سینوی، عمل بر پایه مؤلفه‌هایی همچون قوه مُدرکه و محرکه استوار است و گوناگونی قوای ادراکی و مهم‌تر از آن، کارکرد سه‌گانه قوه متخیله (ترکیب، تفصیل و محاکات) و اثرپذیری عمل از مزاج، ملکه و شاکله، چهره متفاوتی از فرایند صدور عمل را عرضه می‌کند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که براساس تحلیل فراشناختی عمل و ظرفیت‌های درونی حکمت سینوی، چند فرایند از صدور عمل می‌توان به دست داد. نتایج این پژوهش بدین شرح‌اند:

۱. برخلاف گزارش‌هایی که از حکمت سینوی درباره صدور عمل به دست داده شده است، می‌توان گفت ما نه با یک فرایند ساده، بلکه با فرایندهای گوناگون صدور عمل روبه‌رو هستیم و دست‌کم، چهارده فرایند صدور عمل را می‌توان از آثار ابن‌سینا استنباط کرد.
 ۲. برخلاف برخی گزارش‌ها ابن‌سینا در مواضع متعدد، درباره محاکات قوه متخیله سخن گفته است.
 ۳. صور و معانی گاهی به صورت اولیه و پیش‌از ترکیب و تفصیل، منشأ صدور عمل می‌شوند، گاهی پس‌از ترکیب و تفصیل به عمل می‌انجامند و گاه محاکاتی از صورت و معنا منشأ صدور فعل می‌شود.
 ۴. چهار گونه کنترل بر عمل به معاونت قوای متخیله و مفکره وجود دارد: کنترل ارادی پایه، کنترل ارادی فوری غیرپایه، کنترل ارادی بلندمدت و کنترل ارادی غیرمستقیم. شایان ذکر است که تاکنون، پژوهشی درحوزه ارائه چهارده فرایند از صدور عمل و صور چهارگانه کنترل عمل صورت نگرفته است.
- واژگان کلیدی:** عمل، متخیله، محاکات، کنترل ارادی، حکمت سینوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آگاهی از عمل، کنترل ارادی آن، هدف، میل و باور به مثابه ابزار تحقق یافتن هدف، از مؤلفه‌های عمل هستند و در فلسفه عمل نیز از تبیین ارتباط بین عمل با مؤلفه‌های یادشده سخن گفته می‌شود (Wilson and Shpall, sv: Action)؛ بنابراین، عمل، امری ارادی، آگاهانه و هدفمند است و میل، شوق و باور، ابزار تحقق یافتن آن هدف محسوب می‌شود.

از آنجا که در فرایند صدور عمل، شناخت و باور نقش دارند، تحلیل شناخت سهیم در عمل در تبیین عمل، ضروری به نظر می‌رسد. گاه درباره شناخت خویش و فرایند تفکر، واکاوی‌هایی انجام می‌دهیم و می‌کوشیم عوامل مؤثر بر اندیشه را بررسی کنیم تا بتوانیم در ساحت شناخت و سپس در قلمرو عمل، برنامه‌ریزی، نظارت، کنترل و نظم‌دهی را جاری کنیم. این حوزه، فراشناخت نام دارد و در آن، توصیف معرفت و چگونگی عملکرد آن صورت می‌گیرد (Metcalfe, 1994, p. xi)؛ به دیگر سخن، در فراشناخت با نگاه چشم پرنده به نظارت بر فرایندهای شناختی و تأمل درباره آن و نیز راهبری و مدیریت شناخت اهتمام داریم (Schwartz and Perfect, 2009, p. 4).

درحوزه تحلیل و تبیین عمل در حکمت سینوی، تحقیق‌هایی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح‌اند: «نظریه عمل ابن‌سینا» از مهدی ذاکری (۱۳۹۰)؛ «تحلیل وجودشناختی فرایند صدور فعل از منظر ابن‌سینا و صدرالمألهین» از محمدحسین وفاییان و احد فرامرز قراملکی (۱۳۹۶). این تحقیق‌ها غالباً در تبیین عمل از دیدگاه ابن‌سینا از مبادی علمی (تصور و تصدیق) شروع شده‌اند و سپس در آن‌ها درباره شوق، اجماع یا اراده و حرکت در عضلات سخن گفته شده است؛ اما درباره این مسئله که خود این مبادی علمی از چه شرایط و عواملی اثر پذیرفته، واکاوی‌ای صورت نگرفته است؛ همچنین به این مسئله پرداخته نشده که عمل، محصول معادله ساده ادراک بسیط منتهی به شوق است یا برآمده از فرایند ادراکی پیچیده و متعدد؛ افزون‌بر آن، درباره مدیریت قوه متخیله و نقش آن در عمل، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، درصدد واکاوی این مسائل هستیم: صور علمی منشأ عمل با چه ترکیب و فرایندهایی به صدور عمل منتهی می‌شود؟ بنابر تحلیل فراشناختی، شرایط و عوامل اثرگذار بر مبادی علمی عمل، کدام‌اند؟

۱. عمل در حکمت سینوی

ابن سینا در تبیین مفهوم «عمل انسانی»، نخست از تصور، سپس از تصدیق به حسن یا نافع بودن آن و درنهایت، از شوق و اجماع سخن گفته است؛ با این توضیح که ما پس از تصور موافق بودن فعل موردنظر (حسن یا نافع بودن)، به انجام دادن آن شوق پیدا می‌کنیم و با تقویت شوق و اجماع (اراده)، ابزارهای قوای عضلانی برای صدور فعل موردنظر به حرکت درمی‌آیند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-الف، ص. ۱۶).

ابن سینا در تحلیل فرایند صدور عمل، از دو قوه محرکه و مُدرکه در حیوان و انسان بهره برده و قوای محرکه را شامل دو گونه دانسته است: یکی محرکه باعثه و دیگری محرکه فاعله.

قوه نزوعیه شوقیه، قوه محرکه باعث حرکت است که خود بر دو شعبه تقسیم می‌شود: قوه شهوانیه و قوه غضبیه که درواقع، کانون میل در آدمی هستند؛ یعنی میل بر فعل و میل بر ترک فعل. قوه محرکه فاعله نیز در اعصاب و عضلات پخش شده است. قوای مُدرکه نیز یا ادراکشان از خارج است یا از باطن. اولی همان حواس پنج‌گانه و دومی عبارت است از: حس مشترک، قوه خیال، قوه متخیله، قوه وهم، قوه حافظه و قوه عقل.

به نظر ابن سینا ادراک، شوق و اراده، سه مؤلفه متمایز از یکدیگرند؛ بنابر آنکه گاهی ادراک هست بدون شوق و گاه شوق هست؛ اما اراده نیست.

قوه نزوعیه شوقیه هم می‌تواند متأثر از عقل و تخیل باشد؛ همچنین این قوه به مدد دو قوه شهویه و غضبیه به ترتیب به شیوه جذب و دفع عمل می‌کند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۳۶-۳۴ و ۱۷۲؛ ابن سینا، ۱۹۸۰، ص. ۳۹؛ ابن سینا، ۱۳۷۹، ص. ۳۲۱). الشهرزوری در این زمینه، تأمل فلسفی درخور توجهی دارد. از نظر او برخی جذب‌ها، گرایش‌ها و تمایلات همانند اشتیاق مادر به فرزند و اشتیاق ما به معقولات را نمی‌توان براساس قوه شهوانی تحلیل کرد؛ به همین سبب، او طیفی از تمایلات و جذب‌ها را به قوه خیالی بازگردانده است (الشهرزوری، ۱۳۸۳، ص. ۴۱۱).

با توجه به مباحثی که ابن سینا در جای‌جای آثارش مطرح کرده است، می‌توان درخصوص عمل، این ویژگی‌ها را برشمرد:

الف) عمل انسانی از روی غرض صورت می‌گیرد.
 ب) عمل انسانی در صدد برآوردن نیاز یا برطرف کردن نقصی است.
 ج) در فعل ارادی دارای علم، فاعل از صدور فعل آگاهی دارد و می‌داند خودش فاعل فعل است؛ همانند فعلی که از مهندس و پزشک سر می‌زند در مهندسی و طبابت.
 د) از نظر ابن‌سینا اراده در موضعی رخ می‌دهد که خودآگاهی حضور داشته باشد.^۱
 ه) در تبیین عمل انسانی از سوی ابن‌سینا غایت، نقش محوری دارد؛ یعنی غایتی که تصور می‌شود و سپس بدان شوق پیدا می‌کنیم. این غایت یا خود عمل است و یا تابع عمل؛ مثلاً گاهی خود راه رفتن یا ساختمان‌سازی غایت است و گاهی ورزش یا سکونت در ساختمان، غایت را سامان می‌دهد.
 و) قوه مُدرکه، سرآغاز عمل در حکمت سینوی است. حال ممکن است این ادراک از نوع ظنی، تخیلی یا علمی باشد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق-الف، ص. ۱۶؛ ابن‌سینا، ۱۹۸۰، ص. ۵۱-۵۰).

۲. تحلیل فراشناختی عمل

فارابی رتبه وجودی قوه متخیله را جایگاهی میان مرتبه حسی و قوه ناطقه می‌داند. او معتقد است در خواب، قوه متخیله از خدمت قوه ناطقه و نزوعیه معاف می‌شود و از دریافت صور محسوس‌رهایی می‌یابد؛ از این روی، فارغ‌البال به‌سوی صور ذخیره‌شده در نفس برمی‌گردد و به ترکیب و تفصیل این صور اقدام می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۱۰۳).
 ابن‌سینا میان خیال و متخیله، تفاوت قائل شده؛ با این توضیح که خیال، خزانه حس مشترک است و حفظ صور را برعهده دارد؛ اما کار قوه متخیله، تصرف در صور است؛ نه حفظ آنها (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۱۴۷)؛ همچنین او کارویژه‌هایی بدین شرح را برای قوه متخیله برشمرده است: ترکیب صور با یکدیگر، تفصیل صور از یکدیگر، محاکات (حکایت از صورتی به‌واسطه صورت دیگر) و انتقال از صورت یا صورتی به صورت دیگر (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ص. ۱۵۶-۱۵۷؛ ابن‌سینا، ۱۳۸۳ب، ص. ۱۱ و ۶۷؛ ابن‌سینا، ۱۳۲۶، ص. ۶۲).
 برخی معتقدند ابن‌سینا کارکرد ترکیب و تفصیل قوه متخیله را پذیرفته؛ اما از کارکرد محاکات سخنی نگفته است (مفتونی، ۱۳۸۸، ص. ۴۰)؛ درحالی که ابن‌سینا در مواضع متعدد به

۱. الإرادة لا تكون إلا لشاعر بذاته.

محاکات متخیله و از جمله محاکات از مزاج، اذکار و افکار تصریح کرده است (ابن‌سینا، ۱۹۸۰، ص. ۳۹؛ ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ص. ۶۷-۶۸؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج. ۱، ص. ۲۲۸).

از آنجا که قوه متخیله، عمل تصرف در صور را انجام می‌دهد، بدان قوه متصرفه نیز گفته می‌شود. در جانوران (حیوانات غیرناطق)، قوه متصرفه با قوه متخیله یکی است؛ اما در انسان، قوه متصرفه گاهی متخیله نامیده می‌شود و زمانی مفکره؛ زیرا در انسان، افزون‌بر قوه وهم، قوه عقل نیز وجود دارد. وقتی قوه متصرفه تحت سلطنت وهم باشد، متخیله است و در حالتی که متصرفه تحت سلطه عقل باشد و درصدد چینش صغری، کبری و قیاس، مفکره خواهد بود (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۱۴۷).

قوه متصرفه در انسان می‌تواند با نظارت نفس و قوه عاقله، و براساس فرمان آن‌ها به ترکیب، تفصیل و محاکات اقدام کند؛ چنان‌که می‌توان این امور را در آثار هنری و خلاقانه هنرمندان رصد کرد؛ البته در مواضع بسیار، قوه متخیله بدون توجه به اهداف نفس و استکمال آن، به دخل و تصرف‌هایی اقدام می‌کند که با استکمال انسان منافات دارد؛ بنابراین، انسان برای دستیابی به کمال باید قوه متخیله را مدیریت کند که در ادامه، درباره آن سخن خواهیم گفت.

چنان‌که گفتیم، طیفی از کارکرد قوه متخیله به دوگانه ترکیب و تفصیل برمی‌گردد که بدین شرح است:

الف) ترکیب صور حسی: مانند ترکیب صورت هوشنگ و صورت بال، و ترسیم هوشنگ بال‌دار؛

ب) تفصیل صور حسی: مانند تصور صورت هوشنگ بدون تصور سر او؛

ج) ترکیب معانی جزئی مُدرک قوه وهم: مانند ترکیب توصیه جزئی و انصاف جزئی، و ترسیم توصیه منصفانه مریم؛

د) تفصیل معانی جزئی مُدرک به واسطه قوه وهم: مانند تصور توصیه مریم منهای تصور انصاف او؛

ه) تفصیل و ترکیب صور و معانی جزئی: همانند تفصیل معنای محبت از هوشنگ و ترکیب این معنا با صورت گرگ، و ترسیم گرگ مهربان (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۳۴۵)؛

ابن سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۱۴۷؛ صمدی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴۵؛ عبودیت، ۱۳۹۲، ج. ۳، ص. ۱۶۵-۱۶۶).

همه این ترکیب و تفصیل‌ها در خدمت کارکرد دیگری به نام محاکات است. قوه متخیله برای محاکات کردن، ناگزیر باید به ترکیب یا تفصیل اقدام کند. محاکات، تصویرگری از امور باطنی و ظاهری به مدد امر محسوس است و برحسب اینکه متعلق آن، چه باشد، چند نوع محاکات داریم: محاکات محسوسات حواس پنج‌گانه؛ محاکات قوه غاذیه؛ محاکات قوه نزوعیه؛ محاکات از معقولات؛ محاکات از مزاج.

مثلاً اگر مزاج بدن شأنیت آن را داشته باشد که در قوه نزوعیه، تابع قوه شهویه باشد، متخیله در این مزاج، افعال شهوت را محاکا می‌کند و عضلات را برای افعال شهوت برمی‌انگیزد؛ به علاوه، این قوه، معقولات را با کامل‌ترین صورت محسوس محاکات می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۱۰۳-۱۰۷).

از آنجا که برخی ترکیب و تفصیل‌ها در راستای محاکات نیست، ترکیب، تفصیل و محاکات به عنوان سه کارکرد قوه متخیله مطرح می‌شوند و به بیان روشن‌تر، خلاقیت قوه متخیله بر اساس کارکردهای یادشده بدین شرح است:

الف) قوه متخیله می‌تواند هرگاه آدمی بخواهد، صور ذخیره‌شده را در زمانی که مابه‌ازای آن‌ها در خارج نیستند، احضار کند.

ب) ترکیب کردن صور و معانی مخزون و ساختن صور جدید، نظیر تخیل درخت سیبی که نیمی از میوه‌هایش گردو و نیم دیگرش سیب است.

ج) محاکات از محسوس از طریق صور مخزون و دست‌نخورده همانند محاکات از چهره زیبا به ماه شب چهارده و محاکات از محسوس از طریق صور محفوظ، اما دست‌خورده همانند محاکات دشمن به مار هفت‌سر.

د) محاکات از معقول از طریق صور مخزون و دست‌نخورده، همانند محاکات دنیا به کشتزار و محاکات از معقول از طریق صور محفوظ، اما دست‌خورده، همانند محاکات دنیا به مضمونی ترکیبی: «آن قصر که جمشید در او جام گرفت / آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت» (مفتونی، ۱۳۸۸، ص. ۴۲-۴۳)؛ به عبارت دیگر، قوه متخیله، معقولاتی را که به قوه ناطقه

از سوی عقل فعال افزوده شده است، از طریق محسوسات محاکات می‌کند و آن‌ها را به صور مثالی مبدل می‌کند و صورت مثالی، مبنای عمل می‌شود؛ بنابراین اگر انسانی در طول زندگی‌اش در بیشتر موارد، دغدغه نیازهای اولیه زندگی همچون خوردن و آشامیدن را داشته باشد، قوه متخیله او در بیشینه موارد، امور محسوس و مادی را حکایتگری می‌کند؛ اما شخصی که غالباً دغدغه انسانی دارد و در اندیشه دیگری است، قوه متخیله‌اش امور معقولی همچون نوع دوستی و مهربانی را محاکات می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۵، ص. ۹۸-۱۰۳).

۳. فرایندهای چهارده‌گانه صدور عمل

در این بخش، چهارده فرایند صدور عمل مطرح شده که حاصل استنباط و تحلیل نگارنده است و مسبق به تحقیقات پیشین نیست.

معمولاً فرایند صدور عمل را از مبادی علمی (تصور و تصدیق) آغاز می‌کنند و به شوق و سپس اراده و تحریک عضلات می‌رسند؛ اما با توجه به اینکه ابن‌سینا قوه مَدْرَکَه (متخیله و عاقله) و قوه نزوعیه (شوقیه) را از معاونان قوه محرکه دانسته است (ابن‌سینا، ۱۹۸۰، ص. ۳۹)، امکان دارد فرایند صدور عمل، حالتی پیچیده‌تر به خود گیرد. جهت ترسیم و طراحی این فرایندها باید به این نکات توجه کنیم:

الف) سه گونه مَدْرَک داریم: صور جزئی، معانی جزئی، و مفاهیم کلی و عقلی.

ب) مَدْرَکات سه‌گانه یادشده از سه دالان ترکیب، تفصیل و محاکات عبور می‌کنند.

ج) در فرایند صدور عمل، غالباً دو قوه متخیله و مفکره نقش اساسی دارند.

بنابر نکات یادشده، دست‌کم چهارده فرایند بدین شرح را می‌توان رصد کرد:

یکم، بازیابی صور جزئی خیالی مربوط به گذشته یا آینده به صورت ساده و مجزا تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن آن یا نفرت از آن اراده آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

دوم، فهم معانی جزئی مربوط به گذشته یا آینده به صورت ساده و مجزا تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن آن یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

سوم، تصور مفاهیم کلی مربوط به گذشته یا آینده به صورت ساده و مجزا تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن آن یا نفرت از آن اراده بر عمل کردن یا عمل نکردن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

چهارم، بازیابی صور جزئی در خیال به صورت ساده و مجزا صور مرکب تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن این صور یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن این صور یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

پنجم، بازیابی معانی جزئی در حافظه به صورت ساده و مجزا معانی مرکب تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن این معانی یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن این معانی یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

ششم، تعقل مفاهیم کلی و معقول در عقل فعال به صورت ساده و مجزا مفاهیم مرکب تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن طرح یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن طرح یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

هفتم، بازیابی صور و معانی جزئی در خیال و حافظه به صورت ساده و مجزا ترکیب صور- معانی جزئی تصدیق به فایده یا ضرر طرح یادشده شوق به تحقق یافتن طرح یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن طرح یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک). هشتم، بازیابی صور جزئی در خیال به صورت ساده و مجزا صور مفصل تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن این صور یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن این صور یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

نهم، بازیابی معانی جزئی در حافظه به صورت ساده و مجزا معانی مفصل تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن این معانی یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن طرح یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

دهم، تعقل مفاهیم کلی در عقل فعال به صورت ساده و مجزا مفاهیم کلی مفصل تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن طرح یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن طرح یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

یازدهم، بازیابی صور و معانی جزئی در خیال و حافظه به صورت ساده و مجزا تفصیل صور- معانی جزئی تصدیق به فایده یا ضرر طرح یادشده شوق به تحقق یافتن طرح یا نفرت از آن اراده تحقق یافتن طرح یا ترک آن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

دوازدهم، تخیل مبتنی بر محاکات از صور ساده تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن یا نفرت از آن اراده بر عمل کردن یا عمل نکردن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

سیزدهم، تخیل مبتنی بر محاکات از معانی ساده تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن یا نفرت از آن اراده بر عمل یا عمل نکردن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

چهاردهم، تخیل مبتنی بر محاکات از مفاهیم کلی ساده تصدیق به فایده یا ضرر آن شوق به تحقق یافتن یا نفرت از آن اراده بر عمل یا عمل نکردن تحریک عضلات عمل (اعم از فعل یا ترک).

جدول ۱. فرایندهای چهارده گانه

معانی جزئی	مفاهیم کلی	صور	معانی جزئی	صور
فرایند دوم	فرایند سوم	فرایند یکم	ساده (فارغ از ترکیب، تفصیل و محاکات)	
فرایند پنجم	فرایند ششم	فرایند چهارم	ترکیب	
فرایند نهم	فرایند دهم	فرایند هشتم	تفصیل	
فرایند سیزدهم	فرایند چهاردهم	فرایند دوازدهم	محاکات	

۴. مدیریت مبادی علمی عمل

برحسب کانون مدیریت قوه متخیله، این قوه دو اطلاق دارد؛ با این توضیح که اگر قوه ناطقه، متخیله را به کار گیرد، این قوه، مفکره نام دارد و اگر وهم آن را به کار گیرد، نام متخیله/ متصرفه بر آن می‌نهند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۳۶؛ ابن سینا، ۱۹۸۰، ص. ۳۹؛ ابن سینا، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۳۴۵؛ ابن سینا، ۱۳۷۹، ص. ۳۲۹). ابن سینا در موضعی دیگر از شفا به جای قوه وهم از قوه حیوانی بهره برده و اظهار داشته است وقتی عقل، قوه‌ای را که کار ترکیب و تفصیل را انجام می‌دهد، به کار گیرد، مفکره نام دارد و در موضعی که قوه حیوانی، این قوه ترکیب‌کننده و تفصیل‌کننده را به کار گیرد، نام متخیله بر آن نهاده می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۱۴۷). قوه حیوانی را در این موضع می‌توان همان قوه وهم دانست؛ زیرا قوه وهم، سلطان قوا در حیوان است و قوه‌ای می‌تواند قوه‌ای دیگر را به کار گیرد که مافوقش باشد؛ نه مادون آن. جرجانی ذیل تعریف قوه متصرفه آورده است

اگر این قوه در مواد عقلی تصرف کند، مفکره نام دارد و اگر در صور خیالی تصرف کند، بر او متخیله اطلاق می‌شود (الجرجانی، ۱۳۷۰، ص. ۸۵). استرآبادی نیز مفکره، متخیله و متصرفه را اسامی گوناگون یک قوه دانسته است (استرآبادی، ۱۳۵۸، ص. ۳۰۵).

این سخن حاکی از آن است که در قوه متخیله، یک امکان برای حیوان غیرناطق و دو امکان برای انسان وجود دارد؛ زیرا سلطان قوا در حیوان غیرناطق، وهم و در آدمی، عقل است؛ بنابراین، انسان می‌تواند با ممارست، قوه متخیله را به استخدام عقل درآورد و از این طریق، خواب و بیداری خویش را کنترل و مدیریت کند و بدان، جهت عقلانی و الهی دهد.

در اینجا پرسش‌هایی بدین شرح مطرح می‌شود: آیا ما در به‌کارگرفتن متخیله یا مفکره اختیار داریم؟ به عبارتی آیا استخدام متخیله یا مفکره در کنترل ماست؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه می‌توان قوه متصرفه را در بیشتر موارد به استخدام عقل درآورد و حیثیت مفکره را تقویت کرد و چگونه می‌توان چهره قوه متصرفه را بیش از آنکه با محسوسات روبه‌رو شود، با معقولات مواجه کرد؟

برای ارزیابی هویت اختیاری استخدام قوه متخیله و مفکره باید به اقسام رابطه نفس با قوه متصرفه و گونه‌های کنترل بپردازیم و سپس به نحوه مدیریت قوه متصرفه اشاره کنیم.

۴-۱. اقسام رابطه نفس با قوه متصرفه

وقتی قوه متصرفه مزاحمی نداشته باشد یا معاونانش (حس مشترک و قوه خیال) را از دست ندهد، به‌طور طبیعی، کارویژه‌های خود (ترکیب، تفصیل و محاکات) را انجام خواهد داد؛ به بیان دیگر، قوه متخیله در دو حالت نمی‌تواند کارویژه‌هایش را انجام دهد یا به‌طور ضعیف، آن‌ها را به‌جا می‌آورد:

در حالت نخست، نفس معاونان متصرفه را در راستای دستیابی به اغراض خویش به‌کار می‌گیرد؛ با این توضیح که نفس به حواس ظاهری توجه می‌کند و در این حالت، حس مشترک را برای ادراک محسوسات و خیال را برای ذخیره‌کردن محسوسات به‌کار می‌گیرد؛ بنابراین در این حالت، خیال و حس مشترک، تسلیم امری مافوق متصرفه، یعنی نفس می‌شوند و به استخدام قوه متصرفه در نمی‌آیند.

در حالت دوم، نفس مستقیماً قوه متصرفه را به‌کار می‌گیرد تا سلباً یا ایجاباً بتواند افعال خاص خود را انجام دهد. در وجه ایجابی، نفس، دو قوه متصرفه و حس مشترک را

به‌استخدام درمی‌آورد تا در کارویژه اندیشه‌ورزی و ساخت قیاس، از آن‌ها کمک گیرد. در وجه سلبی، نفس به متصرفه اجازه نمی‌دهد ساخت ترکیب، تفصیل و محاکات‌های باطل را انجام دهد و این سه رویداد را مخالف و مزاحم استکمال می‌داند؛ به عبارت دیگر، کنترل و مدیریت قوه متصرفه در وجه ایجابی به استکمال نظری نفس و در وجه سلبی به استکمال عملی آن بازمی‌گردد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق-ب، ج. ۲، ص. ۱۵۳).

۲-۴. اقسام کنترل

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه قوه متصرفه می‌تواند عمل را سامان‌دهی کند و کنترل آن درقبال عمل، به چه صورت است. برای پاسخ‌دادن به این سؤال باید درخصوص گونه‌های کنترل بحث شود.

الف) کنترل ارادی پایه^۱: حرکت دست و پای ما تحت اختیارمان است و ما بدون واسطه، این حرکت را کنترل می‌کنیم؛ اما نمی‌توانیم اراده کنیم کویر را همچون جنگل ببینیم؛ پس در جنگل دیدن کویر، کنترل ارادی پایه نداریم؛ ولی در حرکت دست و پا دارای اراده مستقیم و پایه هستیم.

ب) کنترل ارادی فوری غیرپایه^۲: حرکت توپ تنیس بعد از آنکه بدان ضربه زدیم، تحت کنترل و دراختیار ماست و به عبارتی، جهت و نیرویی که به این توپ می‌دهیم، تحت کنترل ما قرار دارد. وقتی من در شب، چراغ‌های ماشینم را روشن نمی‌کنم و تصادفی رخ می‌دهد، هرچند مستقیماً در خلق تصادف نقشی نداشته‌ام، به‌واسطه کنترل ارادی پایه‌ای که بر روشن کردن چراغ ماشینم داشتم، در این حادثه مسئول هستم.

ج) کنترل ارادی بلندمدت^۳: کاهش وزن، تحت کنترل ارادی مستقیم ما نیست. ما می‌توانیم الان اراده کنیم دستمان را حرکت دهیم؛ اما نمی‌توانیم همین الان اراده کنیم وزنمان کاهش یابد و تنها با اتخاذ رویه و رعایت اموری (رژیم غذایی خاص) در زمان نسبتاً طولانی می‌توانیم به وزن مناسب برسیم؛ بنابراین، نه مستقیم و نه فوری یا کوتاه‌مدت، بلکه در زمان طولانی می‌توانیم عمل کاهش وزن را انجام دهیم.

-
1. Basic Voluntary Control
 2. Non-Basic Immediate Voluntary Control
 3. Long Range Voluntary Control

د) کنترل ارادی غیرمستقیم^۱: گاه انجام دادن عمل به وضعیتی برمی گردد که در آن قرار می گیریم و قرارگرفتن در این وضعیت هم با رفتارهای پیشین ما مرتبط است؛ بنابراین، در این حالت، ما سه مؤلفه داریم: اعمال مقدماتی منتهی به وضعیت؛ وضعیت؛ عمل نهایی. ما درقبال اعمال مقدماتی منتهی به وضعیت، اراده مستقیم داریم و اگر آن‌ها را انجام ندهیم، در وضعیت خاص قرار نمی گیریم و آن عمل نهایی را انجام نخواهیم داد؛ اما درقبال عمل نهایی و وضعیت، اراده مستقیم و فوری نداریم (Alston, 2005, p. 268-278; (Alston, 1988, p. 74-76).

درخصوص استخدام قوه متخیله و مفکره، و عمل برآمده از این استخدام می توان گفت همه اقسام کنترل در این موضع، قابل رصد است؛ با این توضیح که ما هم اکنون می توانیم قوه متخیله را برای ساخت یک درخت پر از میوه های زردآلو، به، انار، هلو و سیب در استخدام قوه وهم درآوریم؛ بنابراین، ساخت درخت یادشده تحت کنترل ارادی پایه ماست و همان گونه که می توانیم دستانمان را حرکت دهیم، قوه متخیله را برای ساخت این درخت به کار می گیریم و در عمل پویانمایی تلویزیونی از آن بهره می بریم؛ همچنین می توانیم با اراده مستقیم خود، ترکیب ترشی آلبالو و ترشی زردآلو را توسط قوه متخیله تخیل کنیم و این کار را بارها تکرار کنیم. تا اینجا اراده مستقیم داریم؛ اما بر عمل ترشح بزاق، کنترل مستقیم نداریم؛ هرچند به واسطه کنترل بر قوه متخیله و تخیل آن، بر عمل یادشده کنترل ارادی فوری داریم؛ افزون بر آن می توانیم در بلندمدت با تمرین، قوه متصرفه را به سمت تخیل و تفهم خیر و سعادت سوق دهیم تا عادت و ملکه تخیل و تفهم معنویت در خواب و بیداری در ما نهادینه شود و بدین ترتیب، در این حالت، در خواب نیز قوه متصرفه در اختیار عقل باشد و از سر عادت یا ملکه یادشده از وادی گناه و ناپاکی دور شود. در این حالت، کنترل ارادی بلندمدت بر عمل خواهیم داشت؛ به علاوه، هر انسانی موقعیت های وجودی متفاوتی دارد و قوه های متخیله و مفکره، متأثر از این موقعیت ها عمل می کنند؛ ولی ما به اعتبار رفتارهای قبلی خویش که براساس آن ها سبب خلق این موقعیت ها شده ایم، بر این اعمال کنترل ارادی غیرمستقیم داریم.

نتیجه گیری

براساس آنچه در این مقاله گفتیم:

الف) در حکمت سینوی، شناخت به دو شکل صوری و معنوی عرضه می‌شود. در شناخت صوری، صور حسی و خیالی، و در شناخت معنوی، معانی جزئی و کلی مطرح هستند. مُدرک معنای جزئی، قوه واهمه و مُدرک معنای کلی، قوه عاقله است. صور و معانی‌ای که همراه حکم لحاظ می‌شوند، شناخت تصدیقی را سامان می‌دهند. صور و معانی گاهی به صورت اولیه و پیش از ترکیب و تفصیل، کانون صدور عمل می‌شوند و گاهی پس از ترکیب و تفصیل به عمل می‌انجامند. گاه نیز محاکاتی از صورت و معنا منشأ صدور فعل می‌شود.

ب) در این مقاله، به مدد دسته‌بندی آلستن از کنترل ارادی و براساس ظرفیت درونی حکمت سینوی از چهار گونه کنترل بر عمل بدین شرح سخن گفته‌ایم: کنترل ارادی پایه، کنترل ارادی فوری غیرپایه، کنترل ارادی بلندمدت و کنترل ارادی غیرمستقیم؛ به دیگر سخن، ترکیب، تفصیل و محاکات قوه متخیله در صدور عمل، نقش اساسی دارد. این نقش گاهی مبتنی بر اراده مستقیم است و در مواردی بر مبنای اراده غیرمستقیم. اصل مزاج و شاکله نخستین به هیچ نحوی در اختیار ما نیست؛ بنابراین، ما به اعتبار مزاج و شاکله وجودی، هیچ‌گونه کنترلی بر قوه متخیله و مفکره نداریم؛ اما از آنجا که با رژیم غذایی و رفتارهای خاص می‌توانیم در مدیریت مزاج و خلق شاکله ثانوی نقش داشته باشیم، کنترل ارادی غیرمستقیم بر اعمال متأثر از مزاج و شاکله ثانوی به معاونت قوه متخیله داریم.

ج) در فقره صدور عمل، معمولاً فرایندی واحد عرضه می‌شود: ابتدا تصور، سپس تصدیق، پس از آن شوق و آنگاه اراده و تحریک عضلات؛ اما در اینجا بنابر امکانات درونی حکمت سینوی، چهارده فرایند صدور عمل را استنباط کرده‌ایم. فرایند ساده‌ای که در تحقیق‌های پیشین آمده، تنها قادر است برخی اعمال ساده‌ای را تبیین کند و عملاً توانمندی لازم برای تحلیل و تبیین اعمال پیچیده را ندارد؛ مثلاً: چطور یک فیلمنامه تدوین می‌شود، چگونه عملیات پیچیده نظامی اجرا می‌شود و چگونه در عرصه کلان ملی و بین‌المللی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی صورت می‌گیرد؟ در فرایند ساده صدور عمل نمی‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم؛ مگر آنکه به گوناگونی تصور، یعنی صور جزئی،

معانی جزئی، و مفاهیم کلی و عقلی توجه کنیم و سه تکنیک متخیله و مفکره، یعنی ترکیب، تجزیه و محاکات را در محاسبات صدور فعل به رسمیت بشناسیم و آن‌ها را دخیل در عمل بدانیم. محصول این موارد، چهارده فرایند صدور عمل را شکل می‌دهد.

(د) با توجه به رابطه نفس با قوه متصرفه در فرایند صدور عمل، با دو مسیر کلی مواجهیم: نخست، آنکه عمل با حاکمیت قوه متصرفه و برپایه حکایات، انتقالات، ترکیب و تفصیل‌های آن مدیریت می‌شود. در این مسیر، ممکن است باورهای نادرست، مبنای عمل واقع شوند و نفس انسانی از فرایند استكمال دور شود. دوم، آنکه عمل با حاکمیت نفس، براساس اغراض نفس، و در راستای استكمال نظری و عمل آن سامان‌دهی می‌شود. در این حالت یا قوه متصرفه از کارویژه‌هایش بازداشته می‌شود و یا تحت راهبری و نظارت نفس، کارویژه‌هایش را انجام می‌دهد و در حالت دوم، همه کارویژه‌هایش در استخدام استكمال نفس است.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). شرح الإشارات و التنبیها (مع شرح نصیرالدین طوسی). قم: النشر البلاغة.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). النجاة من العرق فی بحر الضلالات. تهران: دانشگاه تهران. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ الف). دانشنامه علایی (الهیات) (محمد معین، مقدمه‌نویس، حاشیه‌نویس و مصحح). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ ب). رساله نفس (موسی عمید، مقدمه‌نویس، حاشیه‌نویس و مصحح). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ا-الف). التعليقات (عبدالرحمان بدوی، محقق). بیروت: مكتبة الإعلام الإسلامی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ب-ب). الشفاء (طبیعیات) (سعید زاید، مصحح). قم: مكتبة آیت‌الله مرعشی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ج-ج). الشفاء (منطق) (سعید زاید، مصحح). قم: مكتبة آیت‌الله مرعشی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۸۰). عیون الحکمة (عبدالرحمان بدوی، محقق). بیروت: دارالقلم.
- استرآبادی، محمدتقی (۱۳۵۸). شرح فصوص الحکم. تهران: دانشگاه تهران.

- الجزجانی، السید الشریف علی بن محمد (۱۳۷۰). *التعريفات*. تهران: ناصر خسرو. ذاکری، مهدی (۱۳۸۷). نظریه علی عمل و اشکال ارتباط منطقی. *فصلنامه فلسفه*، ۳۶، ۵-۳۰.
- ذاکری، مهدی (۱۳۹۰). نظریه عمل ابن سینا. *نقد و نظر*، ۱۶ (۴) (پیاپی ۶۴).
- ذاکری، مهدی (۱۳۹۵). *درآمدی به فلسفه عمل*. تهران: سمت.
- الشهرزوری، شمس‌الدین (۱۳۸۳). *رسائل الشجرة الالهية في علوم الحقايق الربانية (المنطق)* (نجف‌قلی حبیبی، مقدمه‌نویس، مصحح و محقق). تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- صمدی آملی، داوود (۱۳۸۹). *شرح مراتب طهارت*. قم: روح و ریحان.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۲). *درآمدی به نظام حکمت صدرایی* (جلد ۳. *انسان‌شناسی*). تهران: سمت.
- فارابی، ابونصر (۱۹۹۵). *آراء اهل المدينة الفاضلة ومضاداتها*. بیروت: مكتبة الهلال.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۵). *قدرت انگاره*. تهران: نشر مجنون.
- مفتونی، نادیا (۱۳۸۸). *خیال مشائی، خیال اشراقی و خلاقیت*. *خردنامه صدر*، ۵۵، ۴۲.
- وفاییان، محمدحسین؛ و فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۶). تحلیل وجودشناختی فرایند صدور فعل از منظر ابن سینا و صدرالمتهلین. *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، ۶ (۱۱).
- Alston, William P. (1988). The Deontological Conception of Epistemic Justification. In: *Philosophical Perspectives* (Vol. 2. *Epistemology*), 257-299.
- Alston, William P. (2005), *Beyond Justification*. New York: Cornell University Press.
- Metcalf, Janet (1994). *Metacognition: Knowing About Knowing Author*. Mit Press.
- Schwartz, Bennett L.; and Perfect, Timothy J. (2009). *Applied Metacognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wilson, George; and Shpall, Samuel. "Action", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2016 Edition). Edward N. Zalta (ed.). URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/win2016/entries/action/>>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی